

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

تتبع و نگارش :

داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان و مسؤول مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

۲۳ جون ۲۰۱۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بدعت بدعت است، حسنه ندارد .

۲

۲- حدیث «من سن فی الاسلام سنة حسنة» :

دومین استنادی که علماء در مورد تقسیم بندی بدعت به حسنه و سیئه می آورند همین حدیث است . ولی در جواب علمای دیگری می گویند :

اگر قرار باشد که در مورد اقسام بدعت به (حسنة و سیئه) به این حدیث استناد گردد باید به متن حدیث مراجعه صورت گیرد.

متن کامل حدیث:

«از جریر بن عبدالله روایت شده که گفت : ما در یکی از صبحگاهی در محضر رسول خدا نشسته بودیم که مردمانی پا برهنه و لخت که جامه‌های خط دار پشمین پوشیده و شمشیرها را به خود بسته بودند و بیشتر آنان و بلکه همه آنان از قبیلۀ مضر بودند وارد شدند، چهره پیامبر صلی الله علیه وسلم بر اثر فقری که بر آنان دید تغییر کرد. پیامبر صلی الله علیه وسلم وارد شد و سپس خارج گردید و به بلال دستور داد که آذان و اقامه بگوید پس پیامبر اسلام نماز را اقامه کرد و سپس طی خطبه‌ای دوآیه متبرکه خواندند .

(یا ایها الناس إنا خلقناکم من نکر وأنثی وجعلناکم شعوبا وقبائل لتعارفوا إنا أکریم عند الله أتقاکم إنا الله علیم خبیر)

«ای مردم! تقوای پروردگارتان را پیشه کنید؛ پروردگاری که شما را از یک انسان آفریده است».

و سپس آیت (۱۸) سوره حشر را قرائت فرمود :

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای خدا پیشه کنید و هر کس باید نگاه کند که چه چیزی را برای فردای خود پیشاپیش فرستاده است»

(و سپس گفت): انسان باید از دینار و درهم و لباس و گندم و خرمایش صدقه بدهد اگر چه دانه خرما باشد (جریر بن عبدالله) گفت: مردی از انصار کیسه‌ای آورد که به سختی می‌توانست آن را بر دارد، سپس مردم پشت سر هم آمدند تا این که دو کومه ای بزرگ خوراک و لباس را مشاهده کردم که بعد از آن دیدم چهره پیامبر صلی الله علیه وسلم (از خوشحالی) درخشان گردید. پس پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «من سن فی الاسلام سنة حسنة فله اجرها و اجر من عمل بها بعده، من غیر ان ینقص من اجورهم شیء، و من سن فی الاسلام سنة سیئة کان علیه وزرها، و وزر من عمل بها من بعده من غیر ان ینقص من اوزارهم شیء» «هر کس سنت نیکویی را در اسلام پایه‌ریزی کند (که مردم از طریق آن کار مشروعی را انجام دهند) پاداش آن و پاداش هر کس که بعد از او بدان عمل کند به وی می‌رسد بدون این که چیزی از پاداش آنان کم شود و هر کس بنیانگذار سنت بدی در اسلام باشد، گناه آن و گناه هر کس که بعد از او بدان عمل کند بر وی خواهد بود بدون این که چیزی از گناه آنان کم شود». (این حدیث را مسلم و نسائی و احمد و دارمی آن را روایت کرده‌اند.)

کسی که به این حدیث استناد می‌کند بدون این که به شأن نزول آن توجه کند، همانند کسی است که «ویل للمصلین» را می‌خواند و ما بعد آن را نمی‌خواند تا معنی آن کامل گردد و چنین شخصی در واقع حقایق و موازین را دگرگون می‌سازد؛ چون چگونه خداوند متعال نماز گزاران را مورد تهدید قرار می‌دهد در حالی که به اقامه نماز دستور داده است. در واقع خداوند گروهی از نماز گزاران را مورد تهدید قرار داده است که آنان را این چنین توصیف می‌کند: «وای به حال نماز گزاران؛ نماز گزارانی که از نمازشان غافلند، کسانی که ریا و خودنمایی می‌کنند و از دادن وسایل کمکی ناچیز (منزل) خودداری می‌کنند». (سوره ماعون آیت ۴-۷)

این عده ای از علماء به اشخاصی می‌مانند که فقط اول سوره را که «لا تقربوا الصلوة» را می‌خواند بدون این که به «و انتم سکاری» توجه کند.

برای تأیید استدلال خویش اول حدیث را ذکر می‌کنند بدون اینکه به بعد و شأن نزول حدیث توجه نمایند. این عده از علماء فراموش کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است که همه بدعت‌ها را (خواه حسنه باشد یا سئیه) با یک کلمه «کل بدعه ضلالة» هر بدعت گمراهی است معرفی داشته اند.

بنابراین خدمت این عده از علماء باید گفت که هیچ وقت در حیات پیامبر اسلام چنین واقع نشده که صحابی بدعت حسنه‌ای را انجام داده و پیامبر صلی الله علیه وسلم هم به دنبال او آن را انجام داده است.

بنابراین منظور از سنت حسنه در حدیث متذکره احیاء امر مشروعی است که انجام دادن آن به خاطر ترک سنت‌ها در میان مردم مرسوم نبوده است. در دوران معاصر هم اگر کسی سنت متروکه‌ای را احیاء کند، گفته می‌شود سنت حسنه‌ای را انجام داده است و گفته نمی‌شود که بدعت حسنه‌ای را انجام داده است.

بنابراین سنت حسنه آن است که مشروعیت آن مستند به نص صحیحی باشد ولی مردم بدان عمل نکرده باشند و سپس کسی بیاید و آن را در میان مردم احیاء کند. همان طور که عمر (رض) سنت به جماعت خواندن یازده رکعت نماز تراویح را احیاء کرد.

همچنان تعدادی از علماء که به بدعت حسنه معتقد اند می‌گویند که چون امام شافعی معتقد به بدعت حسنه بود، پس ما هم به بدعت حسنه معتقدیم؛ ولی برای توضیح این مسأله باید گفت: در سخنی که از امام شافعی در مورد بدعت روایت شده اند به خطا رفته اند امام شافعی فرموده است: «امور محدثه و نوساخته دو نوع اند:

یکی اموری که مخالف کتاب، سنت، اثر و یا اجماعی باشند که چنین بدعتی گمراهی است. و دیگری امور خیر و نوساخته‌ای که با هیچ کدام از آنها مخالفتی ندارند که این امور، امور محدثه غیر مذموم هستند. حضرت عمر (رض) در مورد (به جماعت خواندن) نماز تراویح در ماه رمضان گفته است: این امر بدعت خوبی است؛ یعنی امر نوساخته‌ای است که قبلاً نبوده است و اگر قبلاً هم بوده باشد این بدعت گذشته را رد نمی‌کند».

بیهقی در مناقب الشافعی (۴۶۹/۱) این سخن را از ربیع بن سلیمان روایت کرده است که در سند آن محمد بن موسی بن فضل وجود دارد و کسی را نیافتم که شرح حال او را نوشته باشد.

۱- ابو نعیم در «الحلیة» (۱۱۳/۹) این سخن را از حرمله بن یحیی روایت کرده است که در سند آن عبدالله بن محمد عطشی هم وجود دارد که خطیب در تاریخش و سمعانی در «الانساب» از او یاد کرده‌اند بدون این که او را جرح یا تعدیل نمایند.

در روایت دیگری هم از امام شافعی نقل شده است که:

«بدعت دو نوع است: بدعت پسندیده و بدعت ناپسند. هر بدعتی که موافق سنت باشد، پسندیده و هر بدعتی که مخالف سنت باشد، ناپسند محسوب می‌شود. و به قول حضرت عمر در مورد نماز تراویح استدلال کرده است که فرمود: این بدعت خوبی است».

(ابو نعیم در «الحلیة» (۱۱۳/۹) این سخن را از حرمله بن یحیی روایت کرده است که در سند آن عبدالله بن محمد عطشی هم وجود دارد که خطیب در تاریخش و سمعانی در «الانساب» از او یاد کرده‌اند بدون این که او را جرح یا تعدیل نمایند.

الف - اگر سخن شافعی صحیح باشد، نمی‌تواند در تعارض با عمومیت حدیث پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار گیرد و یا مخصص آن واقع شود؛ چرا که اصحاب امام شافعی از وی نقل کرده‌اند که «قول صحابی» اگر به تنهایی باشد حجت محسوب نمی‌شود و تقلید از او واجب نیست.

(الزنجانی الشافعی، تخریج الفروع علی الاصول، تحقیق: محمد ادیب صالح، بیروت، مؤسسة الرسالة، ص ۱۷۹).

پس چگونه قول شافعی حجت محسوب می‌شود در حالی که قول صحابی حجت به حساب نمی‌آید؟

ب - امام شافعی چگونه قائل به بدعت حسنه خواهد بود؟! در حالی که خود گفته است: «من استحسنت فقد شرع» یعنی هر کس قائل به استحسان باشد، در واقع دست به تشریح و قانون‌گذاری زده است. هم چنین در کتاب «الرساله» (ص ۵۰۷) گفته است: «انما الاستحسان تلذذ» یعنی استحسان در واقع تلذذ و لذت خواهی است.

علاوه بر این در کتاب «الام» (۲۹۳-۳۰۴/۷) هم فصلی را به «ابطال استحسان» اختصاص داده است. پس اگر کسی بخواهد کلام امام شافعی (رحمه) را تفسیر کند، باید با توجه به اصول و قواعد شافعی دست به این کار بزند و لازمه این کار فهم اصول شافعی است. رعایت این اصل در تمام علوم مشهود است به طوری که هر کس با اصطلاحات صاحبان علوم آشنائی نداشته باشد، نمی‌تواند سخنان آنان را بفهمد و تفسیر کند.

بسیاری از علما و فقها بدعت را بر دو قسم دانسته‌اند:

بدعت ضاله

و بدعت محموده.

بدعت ضاله عبارت است از پدید آمدن چیزی که با قرآن، سنت، اجماع مخالفت داشته باشد.

و بدعت محموده عبارت از بدعتی است از چیز خوبی که با کتاب، سنت، اجماع مخالف نباشد. (فتح الباری، ج

۱۷، ص ۱۰.)

امام غزالی بدین عقیده است که : «هر گونه نوآوری بدعت حرام نیست بلکه بدعتی حرام است که با سنت قطعی متضاد باشد و گاهی ابداع واجب است و آن در صورتی است که اسباب، تغییر یافته و دگرگون شده باشد».

(احیاءالعلوم الدین، غزالی، ج ۲، ص ۳.)

اگر قرار باشد که در اسلام تزئید جائز باشد، بس تنقیص هم جواز دارد

اگر قرار باشد که علمای دین مقدس اسلام بیایند و به نام بدعت حسنه و بدعت سیئه در دین تقسیم بندی را ایجاد نمایند و به دین موضوعات جدیدی را بیفزایند ، پس عوام الناس هم حق دارند که از بدنة اسلام چیز هائی هم کم کنند .

اگر تاریخ ادیان را مطالعه فرمائید، همه ادیان آسمانی بنابر تصرف بیمورد شیوخ ادیان در فهم، دین را به گمراهی و پیروان آنرا به بیراهه کشانیده اند .

ولی دین مقدس اسلام از این امتیاز برخوردار است که احکام آن کامل است و پیامبر اسلام چهارده قرن قبل با صراحت تام پیروان خویش را از تزئید در دین و تقلیل در دین به هر عنوان ولو به نام بدعت حسنه منع فرموده است : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : «اذا حدثکم حدیثاً فلا تزیدن علی» «هر گاه سخنی به شما گفتم، چیزی بر آن نیفزائید»!

(راوی حدیث احمد بوده و شیخ البانی در «سلسلة الاحادیث الصحیحة» (۳۴۶) آن را صحیح دانسته است.)

اگر در دین زیادت و تنقیص جایز می بود بدعت گذاران در نهایت امر اعلام می داشتند:

شریعت کامل نشده و مطالبی از آن باقی مانده، که واجب یا مستحب باید بدان اضافه شوند؛ چرا اگر بدعت گر معتقد به کمال همه جانبه شریعت می بود، هیچ وقت دست به بدعت و کم و زیاد کردن دین نمی زد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم بدعتگر را گمراه معرفی داشته است در حدیثی از جابر بن عبدالله روایت است:

که پیامبر صلی علیه وسلم در خطبه ای فرموده است : «من یهدی الله فلا مضل له، و من یضلل فلا هادی له، و خیر الحدیث کتاب الله عزوجل، و خیر الهدی هدی محمدص، و شر الامور محدثاتها، و کل محدثه بدعه» «هر کس خدا او را هدایت کند، گمراهی کننده ای برای او نخواهد بود، و هر کس خدا او را گمراه کند، هدایتگری برای او نخواهد بود. و بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین روش، سنت محمدصلی الله علیه وسلم است، و بدترین کارها، امور نوساخته (در دین) است و هر امر جدید (در دین) بدعت است».

(مسلم این حدیث را روایت کرده است. در روایت مسلم و بیهقی عبارت «کل بدعه ضلاله» هم وجود دارد. بیهقی در کتاب «اسماء و صفات عبارت «و کل ضلاله فی النار» را نیز افزوده است. نسائی هم زیاده بیهقی را روایت کرده و سند آن را صحیح دانسته است) .

همچنان در حدیثی دیگری که از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت شده است آمده است «لکل عمل شره، و لکل شره فتره، فمن کانت فترته الی سنتی فقد اهدتی، و من کانت فترته الی غیر ذلک هلك» «در هر عملی نشاط و حرصی وجود دارد و به دنبال هر نشاط و حرصی سستی و آرامشی وجود دارد، پس هر کس آرامش و سستی اش به سوی سنت من باشد، هدایت یافته و هر کس آرامش و سستی اش به سوی غیر سنت من باد هلاک شده است» (این حدیث را احمد و ابن حبان روایت کرده اند و اصل حدیث هم در صحیح مسلم و بخاری است.)

همچنان بی بی عایشه رضی الله عنها در حدیثی می فرماید که پیامبر صلی الله علیه فرموده است : «من احدث فی امرنا ما لیس منه فهو رد» «هر کس چیزی را در دین ما ایجاد کند که جزو آن نیست، مردود است و از او پذیرفته نمی شود» (حدیث متفق علیه می باشد.)

و در حدیثی دیگری آمده است: «من عمل عملاً لیس علیه امرنا فهو رد» «هر کس کاری کند که مطابق دین و سنت ما نباشد، مردود است. (راوی حدیث امام مسلم)

مسلمانان در شناخت بدعت مکلف اند!

مسلمانان در شناخت احکام خویش و به خصوص شناخت بدعت هائی که به نام دین وارد دین می گردد باید هوشیار و محتاط باشند، چرا که در حدیث متبرکه آمده است: «کل بدعه ضلاله و کل ضلاله فی النار» «هر بدعتی گمراهی است و هر نوعی گمراهی به آتش دوزخ منتهی می گردد».

از حکم این حدیث طوری معلوم می شود که مسلمانان مکلف اند تا در شناخت بدعت در دین باید دقت کنند، باید آنر شناخت و از عمل به آن خوداری نمود. شاعری می گوید:

«شر را شناختم نه به خاطر خود آن، بلکه به خاطر پرهیز و دوری از آن؛ چون کسی که خیر را از شر باز نشناسد، مرتکب شر می شود».

اساس این امر به وضوح در سنت نبوی هم دیده می شود؛ چون حذیفه بن یمان (رحمه) گفته است: «مردم در مورد خیر و نیکی از پیامبر صلی الله علیه وسلم سؤال می کردند ولی من از شر و بدی سؤال می کردم تا مرتکب آن نشوم».

برای در پیش گرفتن راه بندگی تنها شناخت سنت کافی نیست، بلکه لازم است بدعت هائی که با سنت در تناقض اند آنرا باید نیز شناخت، طوری که در موضوع ایمان، شناخت توحید بدون شناخت شرک کافی نیست. قرآن کریم هم به این حقیقت بزرگ در (آیت ۲۵۶ سوره بقره) چنین اشاره کرده و میفرماید:

«هر کس به طاغوت کفر بورزد و به خدا ایمان بیاورد، به دستاویز بس محکمی که اصلاً گسستن ندارد، چنگ زده است و خدا شنوا و دانا است».

و این یک اصلی است که تمام پیامبران برای تحقق بخشیدن به آن مبعوث شده اند پروردگار با عظمت در (سوره نحل آیت: ۳۶) میفرماید:

«ما در میان هر امتی پیامبری را فرستاده ایم (تا به آنان بگوید): که خدا را بپرستید و از طاغوت دوری کنید».

پیامبر صلی الله علیه وسلم هم بر این اصل تأکید کرده و فرموده است: «من قال لا اله الا الله و کفر بما یعبد من دونه، حرم ماله و دمه و حسابہ علی الله» (حدیث را مسلم روایت کرده است) «هر کس بگوید هیچ معبود به حقی جز الله وجود ندارد و به آنچه که به جز خدا پرستش می شود، کفر بورزد، مال و خونسش حرام می شود (یعنی جزو مسلمانان به حساب می آید) و حسابش (در قیامت) بر خدا خواهد بود».

اسباب و عوامل بدعت گذاری:

۱- جهل نسبت به سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم و علم «مصطلح الحدیث» به طوری که بدعت گزاران تفاوتی میان احادیث صحیح و ضعیف و سالم و ناسالم نمی گذارند، و در نتیجه احادیث ضعیف و ساختگی افزایش می یابند.

۲- انتخاب رهبران و پیشوایانی نادان توسط مردم که دست به فتوا و آموزش می زنند و بدون آگاهی در مورد دین خدا سخن می گویند.

۳- عادت ها و خرافاتی که هیچ دلیل شرعی و عقلی ندارند؛ مانند مجالس عزاداری و بدعت زار.

۴- تقلید و اعتقاد به عصمت مجتهدین و پیشوایان مذهبی و دادن قداستی نزدیک به منزلت پیامبران به شیوخ.

۵- پیروی از آیات و احادیث متشابه.

شدت مخاطره آمیز بودن بدعت‌ها:

برای بیان مخاطره آمیز بودن بدعت‌ها کافی است که به عاقبت بدی که در دنیا و آخرت به انتظار بدعت گذاران است توجه شود :

۱- عمل شخص بدعت‌گذار مردود است (و از او پذیرفته نمی‌شود). پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌فرماید : «من **احدث فی امرنا ما لیس منه فهو رد**» (متفق علیه) «هر کس چیزی را در دین ما پدید آورد که جز آن نباشد، مردود است».

همچنان قرآن عظیم الشان در (سوره کهف آیات : ۱۰۳- ۱۰۴) می‌فرماید :
«یگو : آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه سازم؟ آنان کسانی هستند که تلاششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود گمان می‌کنند که کار نیک می‌کنند».

۲- توبه شخص بدعت‌گذار مادامی که بر گناه و بدعت‌گذاری اصرار داشته باشد، پذیرفته نمی‌شود. از این روی ترس آن می‌رود که عاقبت بدی داشته باشد. پیامبر اکرم می‌فرماید : «ان الله حجب التوبة عن كل صاحب بدعة حتى يدع بدعته» «خداوند توبه هیچ بدعت‌گذاری را نمی‌پذیرد مگر این که بدعت خود را رها کند». (حدیثی صحیح است و طبرانی و ترمذی آن را روایت کرده و ترمذی آن را حسن دانسته است.)

۳- شخص بدعت‌گذار بر حوض (کوثر) وارد نمی‌شود و از شفاعت پیامبر صلی الله علیه وسلم برخوردار نمی‌گردد. در حدیث متبرکه آمده است : «انا فرطکم علی الحوض، لیرفعن رجال منکم حتی اذا اهویت لاناولهم اختلجوا دونی فاقول : ای رب، اصحابی فیقول : لاتدری ما احدثوا بعدک»

«من بر حوض از شما پیشی می‌گیرم، مردمانی از شما رانده می‌شوند و من می‌خواهم به آنها آب بدهم از من گرفته می‌شوند. سپس می‌گویم : پروردگارا! این‌ها یاران من هستند، خداوند می‌فرماید : نمی‌دانی بعد از تو چه چیزهایی را ایجاد کرده‌اند؟ (بخاری)

در روایتی دیگر چنین آمده است :

«انک لاتدری ما بدلوا بعدک، فاقول : سحقاً لمن بدل بعدی» «نمی‌دانی که بعد از تو چه چیزهایی را تغییر داده‌اند، پس می‌گویم : هر کس بعد از من (دین را) تغییر دهد، از رحمت خدا به دور باد!

۴- گناه کسیکه در امور دینی بنا بر فتوای بدعت‌گر عمل می‌کند، تا روز قیامت بر دوش بدعت‌گر خواهد بود .
طوریکه خداوند متعالی در (آیت ۲۵ سوره نحل) می‌فرماید :

«انان باید در روز قیامت بار گناهان خود را به طور کامل بر دوش بکشند و (باید) برخی از بار گناهان کسانی که بدون آگاهی آنان را گمراه کرده‌اند (نیز) حمل کنند».

همچنان در حدیث متبرکه آمده است : «... و من سن فی الاسلام سنة سیئة کان علیه وزرها، و وزر من عمل بها من بعده من غیر ان ینقص من اوزارهم شیء» «و هر کس سنت بدی را در اسلام پایمیزی کند، گناه آن و گناه هر کس که بعد از وی بدان عمل کند بر او خواهد بود بدون این که چیزی از گناه آنان کم شود». (مسلم و نسائی و احمد و دارمی و غیره آن را روایت کرده‌اند.)

و این بدان خاطر است که شخص بدعت‌گذار بدعتی را به وجود آورده ، و مسلمانان نادانسته بر فتوای دینی آن عمل می‌کند .

۵- در احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم بدعت گر به حیث ملعون معرفی گردیده است .
«من احدث فیها او آوی محدثا فعليه لعنة الله و الملائکه و الناس اجمعین» «هر کس در آن بدعتی گذارد یا بدعت‌گذارانی را پناه دهد، لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم بر او باد». (بخاری و مسلم و دیگران آن را روایت کرده‌اند و حدیث عام است به کتاب «فتح الباری» ج ۱۳، ص ۲۸۱ مراجعه کنید.)

۶- بدعت گذار پیوسته از خدا دورتر می‌گردد.

۷- **بدعت گذاری که دیگران را به بدعت‌های خود دعوت می‌کند، شهادتش پذیرفته نمی‌شود.**

کسی که مردم را به بدعت دعوت کند، مستحق عقوبت در دنیا است تا ضرر او از مردم دفع گردد، اگر چه در باطن مجتهد باشد. کمترین عقوبت او این است که مردم او را ترک کنند و جایگاهی در دین نداشته باشد و علمی از او آموخته نشود و مورد استفتا قرار نگیرد و شهادت او پذیرفته نگردد. از این روی محدثین و فقها و اصولیان اتفاق نظر دارند که روایت شخص بدعت‌گذاری که با بدعت خود کافر می‌گردد، پذیرفته نمی‌شود. اما در مورد بدعت‌گذاری که با بدعت خود کافر نمی‌شود اختلاف نظر وجود دارد که در این مورد هم روایت کسانی که برای تقویت مذهب و پیروان خود دروغ را حلال می‌دانند، رد کرده‌اند. این سخن از امام شافعی رحمه الله روایت شده است که وی فرموده است:

«شهادت بدعت‌گذاران به جز گروه خطابییه را می‌پذیریم». (نگاه کنید به کتاب مقالات الاسلامیین، ج ۱، ص ۷۵ و کتاب الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۷۹ و کتاب الفرق بین الفرق، ص ۲۴۷.) و این بدین خاطر بوده است که گروه خطابییه برای یاری رساندن به موافقان خود شهادت دروغ را حلال دانسته‌اند.
(بسیاری از گروه‌های اسلامی از چنین وضعیتی برخوردارند که این مسأله را با آنان تحت شعار «مصلحت دعوت» امتحان کرده‌ایم.)

برخی از علماء هم گفته‌اند: چنین بدعت‌گذارانی اگر مردم را به بدعت خود دعوت نکنند، شهادتشان پذیرفته می‌شود و گرنه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.

امام نووی رحمه الله گفته است: «بهترین و صحیح‌ترین قول همین است. از این روی محدثانی که احادیث صحیح را روایت کرده‌اند، از بدعت‌گذارانی که مردم را به بدعت خود دعوت کرده‌اند، حدیثی را روایت نکرده‌اند ولی هم این محدثان و هم علمای دیگر از بسیاری از کسانی که در باطن قدری، مرجئه، شیعه و خارجی بوده‌اند، حدیث روایت کرده‌اند». (شرح صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱، ص ۶۰ و نگاه کنید به کتاب «الایمان» نوشته ابن تیمیّه، ص ۳۶۹.)

از بدعت‌گذار باید دوری جست:

شاطبی رحمه الله گفته است: مسلمانان واقعی مکلفند که با بدعت‌گذاران به دشمنی بپردازند و آنان را رسوا کنند و با مجازات کشتن و پائینتر به سرکوب کسانی بپردازند که به جمع آنان می‌پیوندند. علماء هم (ما را) از همراهی و همنشینی با آنان بر حذر داشته‌اند:

این موضوع شائبه خشونت و کینه‌توزی را ایجاد می‌کند اما باید دانست که این دشمنی نه یک دشمنی مطلق بلکه معطوف به کسانی است که با بدعت گذاری خلاف اجماع مؤمنان رفتار کرده و از صف آنان خارج شده‌اند. چگونه چنین نباشد در حالی که ضمن این که ما مکلف به دشمنی با آنان شده‌ایم به آنان نیز دستور داده شده است که به صف ما مؤمنان برگردند و به دوستی با ما بپردازند (مواخذ: شاطبی، الاعتصام، ج ۱، ص ۱۲۰.)

ثمره جلوگیری از بدعت:

- ۱- نجات دادن دین پروردگار از بیراه
- ۲- حفظ چهره واقعی اسلام ، به خصوص برای آن‌عده از کسانی که می‌خواهند بر حقیقت اسلام اطلاع بیابند .
- ۳- افشای چهره واقعی آن‌عده از فرقه های مذهبی که خود را به دامن اسلام وابسته ساخته و به نام دین مقدس اسلام هویت اسلام را به خطر مواجه می‌سازند ، و همه ساله خرافات جدید را به دین پیوست می‌نمایند .
- ۴- می‌خواهم با تمام صراحت بگویم که بدعت به نص قرآن و احادیث نبوی حرام است و بهترین قول و حکم اسلامی در این بابت حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم است که می‌فرماید :
«هر بدعتی گمراهی است و هر گمراهی در آتش است.»

عواقب بدعت:

اکثریت مطلق علماء بدین باور اند:
بدعت گذاری در دین آثار و پیامد های ناگوار فراوانی دارد که در روایات اسلامی به برخی از آنها اشاره شده است که به ذکر چند نمونه اکتفاء می‌کنیم: .

- تباهی دین:

دین مجموعه تعالیم آسمانی است که پروردگار برای هدایت و سعادت انسانها نازل فرموده است. تبیین و تفسیر دین توسط احادیث و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم شده است اگر هر کسی به خود اجازه دهد که دین را به فهم و سلیقه خاص خود تعریف و تفسیر نماید ، و یا چیزی بر دین از خود ، بیفزاید و یا از آن بکاهد ، حقیقت دین از بین خواهد رفت و چیزی از آن باقی نخواهد ماند.

- سنتها ترک می‌شوند:

سنت عبارت است از: تمام گفتار، کردار و تقریر پیامبر صلی الله علیه و سلم .
که توسط بدعت رسوم باطل جایگزین سنت ها شوند و سنتهای راستین به فراموشی سپرده خواهند شد .

- گمراهی :

همه علماء بدین امر موافق اند:

بدعت گذاری در دین سبب دوری از حق و افتادن در وادی گمراهی است. بدعت گذار نه تنها خود را به گمراهی و تباهی می‌کشاند ، بلکه به اثر بدعتش بسیاری از مسلمانان را در امور دینی شان به گمراهی سوق می‌دهد.

- باطل شدن عمل ها :

بدعت گزار با تفسیر و ترجمه جدید در دین و با کم و زیاد کردن احکام آسمانی هم در عمل و هم در اندیشه و اعتقاد از حق فاصله می‌گیرد در نتیجه اعمال و عبادات او بی ثمر بوده مقبول درگاه الهی حق نخواهد بود.

- پیدایش فتنه ها :

یکی از آثار منفی و بی‌نهایت خطرناکی که در نتیجه بدعت در جامعه ایجاد می‌گردد آشوب ها و فتنه هائی است که در بین مسلمین به وقوع می‌پیوندد.

در حدیثی مبارک آمده است: رسول الله صلی الله علیه و سلم می‌فرماید :

ایاک ان تسن سنة بدعة فان العبد اذا سن سنه سيئة لحقه وزرها و وزر من عمل بها . مبدا سنتی را بدعت گذاری. زیرا اگر بنده سنت بدی را به وجود آورد گناه آن و گناه کسی که به آن عمل کند به گردن اوست. بزرگترین خطر اینگونه گناهان آن است که غالباً قابل توبه نیست چرا که شرط توبه شستن آثار گناه است چگونه انسان می تواند آثار اینگونه گناهان را که گاه منطقه وسیعی را فرا می گیرد یا بسیاری از کسانی که آلوده به آن شده اند از دنیا رفته اند یا در آینده که این پایه گذار از دنیا می رود به وجود می آیند، بزداید.

پایان